

فرایند تحول در سازمان‌های آموزشی از دیدگاه اسلام

اکرم گودرزی^۱، انسیه زاهدی^۲، زهرا سادات شاه احمد قاسمی^۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۰۱

دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۱۴

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

چکیده:

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی فرایند مدیریت تحول در سازمان‌های آموزشی از دیدگاه اسلام است. روش پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل متن - استقرایی است. جامعه پژوهش شامل آیات قرآن کریم و نمونه دربرگیرنده آیات مرتبط با موضوع پژوهش است. روش نمونه‌گیری، هدفمند است. برای تحلیل داده‌ها از روش توصیف، مقایسه، مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی استفاده شده است. یافته‌ها بیانگر این است که فرایند تحول با الهام از حرکت جوهری ملاصدرا، بر اساس سه مقوله حرکت جوهری، سنت‌های الهی و انواع تغییر، مفهوم‌سازی شده است و بر مبنای مفاهیم و مقوله‌های به‌دست‌آمده، مدل چند سطحی تحول ارائه شد که در آن، تغییر ابتدا در سطح فردی و سپس در سطح اجتماعی رخ می‌دهد تا در نهایت به غایت تحول (قرب الهی) برسد.

واژگان کلیدی: سطوح و ابعاد تحول، فرایند تحول، مبانی و اصول تحول.

۱- استادیار گروه علوم تربیتی و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع)؛ goodarzi_ak_2005@yahoo.com

۲- استادیار دانشگاه امام صادق (ع) و معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) پردیس خاوران؛ ensiehzahedi@yahoo.com

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه امام صادق (ع)؛ Zahra.shahahmadi@yahoo.com

۱- مقدمه

جهان همواره در حال تغییر و تحول بوده و ادامه حیات موجودات درگرو همین تغییرات است. تغییر در همه پدیده‌های جهان جریان دارد و این تنها به طیف خاصی محدود نیست. لازم به ذکر است، بشر همیشه درصدد ایجاد تغییرات مثبت و خوشایند، مهار تغییرات منفی و مبارزه با آثار آن است و سعی دارد که تغییرات را مدیریت نماید تا از آثار زیان‌بار آن در امان بماند. در ادبیات مدیریت، این تغییرات هدفمند را تحول نامیده‌اند.

فراگرد تحول در سازمان‌ها با مقاومت‌های متعددی (کارکنان و عوامل محیطی) روبه‌رو است و این امر در سازمان‌های ایرانی به‌وضوح قابل‌رؤیت است، مخصوصاً زمانی که رویکرد تحول خاستگاه غربی و غیربومی داشته باشد. از این‌رو تبیین مبانی، اصول و دوباره چینی مفهوم تحول و فرایند مدیریت آن از لحاظ تطابق با فرهنگ دینی و ملی نتیجه‌اثربخش‌تری نسبت به نسخه‌برداری از رویکردهای غربی خواهد داشت. بدون تردید سازمان‌ها و جامعه مدیریتی ما، نیازمند استفاده از رویکردهای جدید مدیریتی و سازمانی است که باید از جایگاه مفهوم‌شناسی فرهنگی، دینی و ملی برخوردار باشد تا وسیله‌ای برای تحول سازمانی در کشور گردند.

اما آنچه در تبیین فرایند تحول در سازمان‌ها مهم است، نقش انسان است؛ زیرا در سازمان مجموعه‌ای از انسان‌ها در تعامل با یکدیگر قرار دارند. به همین دلیل هر تحول پایدار در سازمان نتیجه تحول در انسان‌های آن سازمان است. تحول جهت‌گرا در انسان به مسیر تحول سازمان منتج می‌شود. پدیده تحول پیش از آن‌که در سازمان اتفاق بیفتد، باید در انسان‌ها به‌ویژه عناصر کلیدی یعنی رهبران و مدیران و سپس سایر اعضای سازمان اتفاق افتاده باشد. دلیل شکست برخی از رویکردهای تحول در سازمان به دلیل ضعف رویکرد نیست، بلکه به این دلیل است که تحول از درون انسان‌ها شکل و منشأ نگرفته است. درنهایت با توجه به این‌که فرهنگ دینی ما و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی، حاوی غنی‌ترین مفاهیم تحول است، اگر بتوانیم با نگرش اسلامی و بومی آن‌ها را بشناسیم و بر پایه آن فرایند تحول را در سازمان‌های ایرانی مدیریت نماییم، چند دستاورد ارزشمند به دست خواهد آمد:

۱- تحول به موضوعی عمیق و اصیل در سازمان تبدیل می‌گردد؛
۲- در فرایند تحول، از رویکردی متناسب با شرایط فرهنگی، اعتقادی خود بهره‌برداری می‌شود؛
۳- زمینه تولید علم و دانش در حوزه رویکرد و مفهوم تحول فراهم می‌شود. بدین ترتیب، فرایند و مدیریت تحول خاستگاه داخلی پیدا خواهد کرد و با زمینه اعتقادی ما پیوند می‌خورد و نوعی جاذبه و انجذاب خاصی برای مدیران و کارشناسان خواهد داشت (رضایی، ۱۳۸۵).
بر این اساس محقق سعی دارد در این پژوهش فرایند تحول را در سازمان‌های آموزشی، بر اساس دیدگاه اسلامی تبیین و استنباط نماید.

۲- بیان مسئله

تحولات محیطی در عصر حاضر با سرعت حیرت‌انگیز، تاروپود زندگی فردی و اجتماعی آدمی را درنوردیده و همه‌امور جامعه را دگرگون کرده است. در این دنیای متحول و متلاطم، تنها افراد، سازمان‌ها و نهادهایی می‌توانند به ادامه‌حیات خویش امیدوار باشند که تحولات را درک کرده و پاسخ مناسب و مثبت به آن‌ها بدهند. نهاد آموزش و پرورش با پیچیدگی و ویژگی‌های خاص خود و گستردگی قلمرو فعالیت آن، از این قاعده کلی مستثنا نیست و باید بتواند پاسخ‌گوی تحولات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه باشد.
از طرفی فرایند تعلیم و تربیت، امری زمان‌بر و دیر بازده است. مخاطبان نهاد آموزش و پرورش، کودکان و نوجوانانی هستند که آنچه را امروز فرامی‌گیرند، فردا در رفتار خویش متجلی می‌سازند. در نتیجه، فعل و انفعالات آموزشی و تربیتی امروز بر چگونگی شکل‌گیری آینده تأثیر می‌گذارد و متقابلاً آرمان‌ها و اندیشه‌های آینده، چگونگی سامان‌یابی برنامه‌های امروز را متحول می‌سازد. به بیان دیگر برنامه‌های حال و آینده، در فرایند تعلیم و تربیت به شدت درهم‌گرفته‌خورده است و این نهادها (سازمان‌های آموزشی) بیش از سایر ارگان‌ها و نهادها، نیازمند برنامه‌های تحول هستند. به همین دلیل امروزه سازمان‌های آموزشی در بیشتر کشورهای جهان با مسئله تدوین و اجرای برنامه‌های راهبردی تحول‌آفرین دست‌وپنجه نرم می‌کنند (یونسکو، ۱۳۶۰).

بنابراین دستیابی به برنامه تحولی اثربخش در دنیای متغیر کنونی به امری پیچیده و غامض تبدیل شده است، زیرا سرعت و گستردگی تغییر و تحولات به گونه‌ای است که فرصت طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های بلندمدت را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است (سنگه، ۱۳۸۵). پیچیدگی این امر، در نهادهایی مثل آموزش و پرورش که با انسان و تحولات انسانی روبه‌رو هستند، دوچندان شده و علی‌رغم ضرورت تدوین برنامه‌های راهبردی، تحقق آن را سخت‌تر و دشوارتر ساخته است. از سوی دیگر نهاد آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد مدرن در عصر مدرنیسم و در پاسخ به نیازهای جامعه صنعتی متولد و با کمترین تغییراتی به جوامع دیگر از جمله کشور ایران منتقل شد. اکنون که بیش از یک قرن از چرخه عمر سازمانی آن در داخل کشور می‌گذرد؛ این سیستم آموزشی نه تنها در مواجهه با چالش‌ها و تنگناهای دنیای فرامدرن موفق نبوده، بلکه با نیازها و الزامات بومی و محیطی و در برخی موارد هویت دینی هنوز انطباقی بایسته و تحولات برجسته‌ای در سازوکارهای اجرایی و عملیاتی آن صورت نگرفته است.

باید توجه داشت که تحول یک تغییر مثبت، مطلوب و یک فرایند به شمار می‌آید، به طوری که «پیتر ویل»^۱ بر این باور است تحول سازمان، فرایندی برای تحول فرایندهای سازمانی در جهت بهبود و تعالی است؛ به عبارت دیگر، موضوع اصلی تحول سازمانی، بهبود اثربخشی سازمانی از راه تحول در فرایندهای سازمانی است. از این رو مدیر، جهت جواب‌گویی به نیازهای محیطی و پیشرفت در سازمان، نیاز به اعمال تغییرات مطلوب (تحول) را در سازمان می‌بیند (فرنچ و اچ‌بل، ۱۳۸۵). به طور کلی، همه برنامه‌های فرایند تحول سازمان از سه عنصر اصلی تشکیل شده‌اند که عبارت‌اند از:

۱- **تشخیص:** تشخیص، بیان‌گر جمع‌آوری پیوسته اطلاعات درباره کل سازمان، واحدهای فرعی، فرایندهای سازمان، فرهنگ و سایر عوامل مؤثر در تحول است. این عنصر گام نخستین برای ایجاد تحول در سازمان است، از این رو بر اساس این عنصر، مدیر متوجه نیاز سازمان به تحول می‌شود.

۲- اقدام عملی: این عنصر همه فعالیت‌ها و برنامه‌های تغییر، برای بهبود کارکرد سازمان را در برمی‌گیرد. به وسیله این عنصر تمامی اقدامات و راهکارهای اجرایی برای انجام تحول در سازمان صورت می‌گیرد.

۳- مدیریت برنامه: مدیریت برنامه، شامل فعالیت‌های طراحی شده برای حصول اطمینان از موفقیت برنامه نظیر تدوین استراتژی کلی تحول سازمان، نظارت بر رویدادها در مسیر این استراتژی و رسیدگی به پیچیدگی‌ها و حوادث ناگهانی در همه برنامه‌ها است (الوانی و دانایی فرد، ۱۳۸۵).

بر این اساس فرایند مدیریت تحول، «فعالیتی برنامه‌ریزی شده در سراسر سازمان است که به وسیله مدیریت عالی سازمان اداره می‌شود و اثربخشی و سلامت سازمان را از راه عناصر آن افزایش می‌دهند» (خنیفر، ۱۳۸۹، ص ۴۰).

پر واضح است در ادبیات مدیریت تحول، نظریات مختلفی به وسیله بسیاری از محققین نظیر: کرت لوین^۱، رونالد^۲، شپرد^۳، زالتمن^۴، ویس بورد^۵، نادلر و تاشمن^۶ و ... ارائه شده است (طبق جدول ۱). این فعالیت‌ها به اثربخشی فرایند تحول و ایجاد مدیریت تحول اثربخش کمک می‌کنند (فرنچ، ترجمه الوانی و دانایی فرد، ۱۳۸۵). اما به‌کارگیری آن‌ها در عمل نشان داده است که فراگرد تحول در سازمان‌ها با مقاومت زیادی روبه‌رو است. این امر در سازمان‌های ایرانی به وضوح قابل رؤیت است؛ به‌ویژه زمانی که رویکرد تحول، خاستگاه و وجود غربی و غیربومی داشته باشد. از این‌رو، تبیین فرایند تحول از لحاظ تطابق با فرهنگ دینی و ملی به‌عنوان نقشه راه مدیران و متولیان امور آموزشی و پرورشی در جامعه اسلامی؛ نتیجه اثربخش‌تری نسبت به نسخه‌برداری از رویکردهای تحول غربی خواهد داشت.

۱- Kurt Lewin

۲- Ronald

۳- Sheppard

۴- Zaltman

۵- Webs Board

۶- Nadler and Tasman

جدول ۱- سیر تاریخی مدل‌های تحول در سازمان (مولف و همکاران، ۱۳۹۶)

نام مدل	سال	ارائه‌دهنده	خلاصه اقدامات
سه مرحله‌ای	۱۹۴۰	کرت لوین	فرایند سه مرحله‌ای تغییر
هفت مرحله‌ای تحول	۱۹۵۸	لیپیت	بسط مدل لوین به فرایند هفت مرحله‌ای تحول
مشارکت و توانمندسازی	۱۹۶۰	-	مشارکت و توانمندسازی افراد در ایجاد تغییرات
تحقیق در عمل	۱۹۶۲	شپرد	نوعی مدل هنجاری دستوری برای یادگیری و تغییر برنامه‌ریزی‌شده
دو مرحله‌ای	۱۹۷۳	زالتمن	تبیین فرایند تحول در دو مرحله شروع و استقرار
شش‌بخشی	۱۹۷۶	ویس بورد	بررسی شش حوزه یا بخش بسیار مهم (اهداف، ساختار، پرداخت یا سازوکارهای هماهنگی و کنترل، روابط و رهبری)
تغییر ساختاری	۱۹۸۰	هاکمن و اولهام	بررسی ویژگی‌های پنج‌گانه شغل: تنوع مهارت، با مفهوم بودن وظیفه، اهمیت وظیفه، استقلال در کار و بازخورد در شغل
تغییر جامع	۱۹۸۴	رالف کیلمن	در نظر گرفتن پنج مرحله تحول
مراوده‌ای تغییر برنامه‌ریزی-شده	۱۹۸۶	نات	مدل تغییرات برنامه‌ریزی‌شده سازمان که شامل: تدوین، طراحی مفهومی، طراحی تفصیلی، ارزیابی و استقرار است.
سیستم‌های تغییر	۱۹۸۹	نادلر و تاشمن	بررسی ورودی‌های تغییر، هدف تغییر و خروجی‌های تغییر
سیستمی تغییر	-	رضائیان	بررسی اجزای سه‌گانه سیستم
عملکرد فردی و سازمانی	۱۹۹۲	بورک لیتوین	ترسیم متغیرهای اصلی در فرایند تغییر ناشی از محیط خارجی
تیم سازی	۱۹۹۳	کتزباخ و اسمیت	برنامه ایجاد تغییر تیم سازی
رهبری فرایند تحول فرهنگی	۱۹۹۶	بروکز	بررسی نقش رهبری در پشتیبانی فرایند تحول با استفاده از نمادهای فرهنگی
اثربخش تحول	۱۹۹۷	کامینگز و اورلی	مشخص ساختن عوامل کلیدی در فرایند تغییر موفق
تجزیه و تحلیل جریان	۱۹۹۸	جری پوراس	مدل ترسیمی نشان دادن مشکلات اصلی سازمان
مفهومی نقش ارتباطات در ایجاد تحول سازمانی	۲۰۰۵	الوینگ	چارچوب مفهومی جهت تبیین نقش ارتباطات در تحول سازمانی
نظریه پژوهش	-	شانی	بررسی فرایند: جمع‌آوری اطلاعات، بازخورد یافته‌ها به گروه، بررسی و تشخیص نتایج

نام مدل	سال	ارائه‌دهنده	خلاصه اقدامات
آدکار	۲۰۰۷	پروسی	بررسی مراحل تغییر در سه زمینه حال، انتقال و آینده
نظریه یکپارچه‌سازی فرایند تغییر مورگان	-	مورگان	فرایند تغییر در سه مرحله ذوب شدن، تغییر و انجماد مجدد

همچنین بر اساس متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، عرصه تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقاء سرمایه انسانی شایسته کشور، در عرصه‌های مختلف است و تحقق آرمان‌های تعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان درگرو تربیت انسان‌های عالم، متقی، اخلاقی و تحول‌آفرین است.

اما باین وجود، آموزش و پرورش هنوز با چالش‌های جدی روبه‌رو است و برون‌داد آن پاسخ‌گوی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نیست. از این رو تأکیدات حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت تحول بنیادی در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی ایرانی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی برای تحول و پرهیز از الگوهای وارداتی، کهنه و تقلیدی محض، چراغ راه برون‌رفت از چالش‌های نظام آموزشی کشور است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۸۶).

از این رو پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضرورت تحول همه‌جانبه و عمیق در نهاد آموزش و پرورش بیش از پیش احساس شد؛ زیرا انقلاب اسلامی، یک انقلاب فرهنگی است و تغییر فرهنگ و تحول در باورها و رفتارها را باید از سنین کودکی و جوانی آغاز کرد. انجام تحولات بنیادین در دستور کار مسئولین ارشد نظام آموزش و پرورش قرار گرفت و طرح‌ها و برنامه‌های تحولی فراوانی تدوین و اجرا شد که هر یک به دلایلی نتوانست به انتظارات جامعه پاسخ دهد (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹).

در نتیجه بعد از چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی «ضرورت تحول بنیادین و اساسی در آموزش و پرورش و ضرورت بومی‌سازی مسائل آموزشی و تطابق برنامه‌ها با معیارهای اسلامی» همچنان به قوت خود باقی مانده و این امر به مطالبه جدی مقام معظم رهبری و نهادهای سیاست‌گذار و مسئول در حوزه فرهنگ و علم

تبدیل شده و مورد تأیید و درخواست کارشناسان مجرب و مدیران و معلمان فرهیخته است؛ بنابراین واکاوی مدیریت فعال و هوشمندانه تحول و استفاده بهینه از فرصت‌ها و امکانات برای تحقق اهداف تحول تا دستیابی به آموزش و پرورش در تراز جمهوری اسلامی ایران از اهمیت و حساسیت بالا برخوردار بوده و یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹).

رهبر معظم انقلاب نیز در بیانات خود در دیدار وزیر و مدیران آموزش و پرورش سراسر کشور در سال ۱۳۸۶، از تحول به عنوان یکی از اساسی‌ترین و اصولی‌ترین مطالبی که در زمینه آموزش و پرورش ممکن است مطرح شود، یاد کردند. ایشان معتقدند: «تحول یک کلمه است، لکن در پشت این کلمه، یک دنیا کار نهفته است. اولاً این کار چیست؟ ثانیاً با چه هدفی این کارها قرار است انجام گیرد؟ ثالثاً چگونه این کارها انجام گیرد؟ پاسخ این سه سؤال، یک عمر کار ماست. ما همه این‌ها را در زیر کلمه تحول قرار می‌دهیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

مواردی از این قبیل نقص و کمبودها در نظام آموزشی سبب گردیده تا پژوهشگر در پژوهش حاضر بر اساس اهمیت و ضرورت موضوع مورد بحث، به بررسی فرایند تحول در سازمان‌های آموزشی با توجه به آموزه‌های اسلامی بپردازد.

۳- مبانی نظری

۳-۱- تحول از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی

یکی از تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جامعه امروز، تحول است. از نظر ایشان، تحول یعنی به روز بودن، به هنگام جلو رفتن و از حوادث عقب نماندن. تحول در جوامع انسانی و برای بشر یک سنت لایتغیر الهی است. هیچ‌کسی نمی‌تواند در مقابل سیر عظیم تحولات بایستد. تحولات بشری دیر یا زود یکی پس از دیگری اتفاق می‌افتند. نکته مهم در تحولات این است که در مقابل تحولات نباید ایستادگی کرد و آن را انکار کرد، بلکه باید به سوی تحول به شکل درست حرکت کرد. تحول یک سنت الهی در زندگی بشر است که باید از آن استقبال کرد و به شکل صحیح مدیریت شود تا به پیشرفت بینجامد و جامعه را پیش ببرد. تحول یک حرکت ریشه‌ای است (خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

تغییر و تحولات امری حتمی است، منتهی باید در جهت صحیح و درست هدایت شوند. یکی از اساسی‌ترین و اصولی‌ترین مطالب درزمینه آموزش و پرورش، تحول است. تحول یک کلمه است لکن در پشت این وجود لفظی، یک دنیا کار نهفته است که باید اولاً دانست این کارها چیست؟ ثانیاً این کارها باید با چه هدفی صورت گیرد؟ و ثالثاً چگونه باید این کارها انجام گیرد؟ (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

نقطه مقابل تحول، رکود است که بعضی این مفهوم را با ثبات اجتماعی اشتباه می‌گیرند. مفهوم رکود، یک مفهوم منفی است، درحالی‌که مفهوم تحول دارای بار معنایی مثبت است. بعضی دیگر هم مفهوم تحول را با "انارشسیسم" و "هرج و مرج" اشتباه می‌گیرند. این اشتباهات موجب شده است که یک عده‌ای طرفدار ثبات اجتماعی به معنای غلط هستند و معتقدند هرگونه تحولی موجب برهم زدن ثبات جامعه و ساختارشکنی می‌شود. بنابراین در تحول باید تمایز مفاهیم با یکدیگر در نظر گرفته شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

تحول مطلوب از دیدگاه اسلام، تحولی که با پیشرفت همراه باشد. پیشرفت از دیدگاه اسلام مبتنی بر خودمحموری مادی نیست. پیشرفت مادی باید به‌عنوان وسیله برای هدف اصلی تحول از دیدگاه اسلام که رشد و تعالی انسان است، باشد. مبارزه با فقر، تبعیض، بیماری، جهل، ناامنی، بی‌قانونی، ارتقاء مدیریت‌ها به سطوح بالاتر علمی، ارتقاء رفتار شهروندان به سطوح بالاتر انضباط اجتماعی، رشد امنیت، رشد ثروت ملی، رشد علم، رشد اقتدار ملی، رشد اخلاق و رشد عزت ملی است. همه این‌ها در تحول و پیشرفت به معنای صحیح دخالت دارند و جزو پایه‌های اصلی محسوب می‌شوند. در کنار این‌ها، عشق به معنویت و ارتباط با خدا مهم‌ترین عاملی است که پیشرفت یک ملت را به معنای واقعی خود تضمین می‌کند. خداپرستی، عشق به معنویت، عاطفه انسانی در هر تحولی و عواطف و محبت در انسان‌ها باید تقویت شود و در این جهت حرکت کند. آن دسته از تحولات اجتماعی و اقتصادی که انسان‌ها را نسبت به هم بی‌تفاوت می‌کند، ممدوح نیست، بلکه مذموم است. بر این اساس تحول باید بین پدرها، مادرها، خانواده‌ها، فرزندان، دوستان و همسایگان انس و محبت بیشتر به وجود آورد. این‌گونه تحولات که در پیوندها و نظام‌های اجتماعی به چنین حقایقی منجر شود، پیشرفت موردنظر جمهوری اسلامی ایران است (خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

لازم به ذکر است برای تضمین اثربخشی فرایند تحول پیش‌بایسته‌هایی لازم است که اینک به صورت اجمالی به شرح آن تحت عناوین، مبانی و اصول تحول پرداخته می‌شود:

۲-۳-۲- مبانی تحول

۳-۲-۱- فلسفه آموزش و پرورش

فلسفه آموزش و پرورش باید واضح باشد و بر اساس این فلسفه، افق آینده آموزش و پرورش کشور روشن باشد. معلوم باشد نیاز و اهداف جامعه چیست و دنبال چه چیزهایی است. فلسفه آموزش و پرورش این است که انسانی با ویژگی‌ها و برجستگی‌های اخلاقی و فکری تربیت کند و مانع روزمرگی در افراد شود. بر اساس برنامه‌های طراحی شده در فلسفه آموزش و پرورش است که نظام مطلوب آموزش و پرورش به دست خواهد آمد (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

فلسفه آموزش و پرورش باید مبتنی بر آموزه‌های اسلامی باشد. در مبانی اسلامی، هدف حیات انسان، رسیدن به درجات کمال است. تفکر اسلامی و فهم درست از مبانی اسلامی، سبب شناخت انسان از موقعیت خود شده و مشخص خواهد کرد که برای رسیدن به اهداف خود در کجای راه است، همچنین قدرت تحلیل برای حوادث می‌یابد و وظیفه خودش را در هر شرایطی تشخیص می‌دهد (درونه و رضایی، ۱۳۸۹).

۳-۲-۲- انسان‌شناسی اسلامی

در معیارهای الهی و اسلامی، بزرگ‌ترین تعریف برای انسان، عبودیت خداست (خامنه‌ای، ۱۳۷۸). انسان در جهان‌بینی اسلام، آن موجودی است که دارای استعدادهای فراوانی نهفته است. این انسان می‌تواند در میدان‌های علم و دانش و کشف رمزها و حقایق خلقت تا بی‌نهایت پیش رود. انسان مسلمان ابعادی دارد. عناصری از قبیل: علم، بینش، روشن‌بینی، نیروی جسمی و روحی، معلومات وسیع، احساس برتری در زندگی و ... در ساخت یک انسان مسلمان دخیل‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۷۰). اگر انسانی دارای عقاید محکم اسلامی و عمل به معنای نماز و روزه و ... فرض شود، اما حسود، بخیل، جبان، بدخواه، بی‌روحیه و بی‌اراده باشد، این انسان،

انسان مسلمان نیست. انسان مسلمان باید در سه بُعد تربیت، دانش و عمل کار کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۰).

شخصیت هر انسانی غیر از عوامل و عناصری که وجود خارجی او را تشکیل می‌دهند - مثل جسم و ذهن و روحیات و خصلت‌ها و خلقیات - مقومات دیگری نیز دارد که گاهی نسبت به آن عناصر و عوامل، جنبه زیر بنایی دارد، مانند افکار و جهان‌بینی و دیدگاه‌ها. کسی که به خدا و جهان آخرت ایمان دارد با کسی که فاقد این نوع جهان‌بینی است در جهان مادی به گونه‌ای متفاوت عمل خواهد کرد. پس جهان‌بینی هر انسانی در تشکیل شخصیت او تأثیر اساسی دارد (خامنه‌ای، ۱۳۶۸). فکر و روان انسان، عزیزترین پدیده این عالم وجودی است که تاکنون شناخته شده است. اگر فکر و روح انسان درست شود، همه چیز درست خواهد شد؛ بنابراین ملاک شخصیت انسان همان اندیشه اوست (خامنه‌ای، ۱۳۷۷).

نکته مهم در انسان‌شناسی از دیدگاه اسلام و غرب، نوع نگاه متفاوت این دو مکتب نسبت به انسان است. انسان‌محوری در بینش اسلامی به کلی با اومانیسم غرب متفاوت است. از منظر اسلام، انسان محور تمام کارها در این جهان است. چنانچه در آیه ۲۰ سوره لقمان^۱ و آیه ۱۳ سوره جاثیه^۲ نیز به این امر اشاره شده است، اما منظور از مسخرات جهان نزد انسان این است که انسان در طول اراده خداوند و در چارچوب قوانین این عالم دست به تسخیر ضابطه‌مند در این جهان بزند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸).

۱- أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ: آیا توجه نمی‌کنید که خدا آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه را در اختیار شما قرار داده و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما مقرر فرموده است؟ و از مردم کسانی هستند که بدون علم و بصیرت و هدایت و کتابی روشن، درباره خدا بحث و مجادله می‌کنند (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۴۱۳).

۲- وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: و آنچه در آسمان‌ها و زمین است همه را مسخر شما گردانید. مسلماً در آن نشانه‌هایی است برای جماعتی که عاقلانه می‌اندیشند (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۴۹۹).

۳-۳- اصول تحول

۳-۲-۳- اسلامی بودن

تحول باید مبتنی بر نظریه و روش‌های اسلامی باشد. اصل و اساس تلاش و حرکت در آموزش و پرورش، اسلام است. باید پیشرفت با الگوی اسلامی ایرانی همراه شود. نقطه تمایز کار اسلام با غرب در این است که محور کار در غرب، دین زدایی است و دین را مانع حرکت و پیشرفت می‌دانند. از این رو مبانی نظری در جامعه اسلامی نباید متکی به غرب باشد. نسخه‌برداری از مبانی نظری غربی یکی از موانع مهم در تحول آموزش و پرورش به حساب می‌آید؛ بنابراین در این حوزه باید نظریه‌پردازی تربیت شوند که مبانی و اصول را مطابق با مبانی غنی اسلامی و نیاز جامعه، استخراج و استنباط نمایند. اگر نظریه‌پردازان اسلامی نباشند، آن صورت نظام یک صورت بی‌جان است. بنابراین محیط جامعه کنونی نیازمند محیطی است که مخصوص تعلیم و تربیت و مبتنی بر دین و اخلاق اسلامی باشد که در این صورت از ارزش والایی برخوردار است (خامنه‌ای، ۱۳۶۳).

۳-۲-۴- انقلابی بودن

تحول باید مبتنی بر جهت‌گیری‌های انقلابی باشد و در تمامی برنامه‌های ارائه‌شده باید رعایت شوند. تمامی کارهای علمی، اجتماعی، فرهنگی و ... باید دارای جهت‌گیری اسلامی باشند. منظور از جهت‌گیری اسلامی و انقلابی این نیست که حتماً در هر برنامه‌ای آیه‌ای از قرآن و حدیث و یا یک داستان مذهبی باشد، بلکه جهت‌گیری اسلامی و انقلابی این است که پیام انقلاب اسلامی رسانده شود (خامنه‌ای، ۱۳۶۴). اگر اصلاحات، پیشرفت و نوآوری بر اساس ارزش‌های انقلاب نباشد، جامعه دچار ناکامی خواهد شد. بر این اساس باید به ارزش‌ها توجه شود و در ارزش‌ها تبعیض ایجاد نشود و در چارچوب ارزش‌ها، تحول و حرکت روبه‌جلو با جدیت تمام دنبال شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۹).

۳-۲-۵- بومی بودن

از الگوهای پیشرفت غربی در تحول نباید استفاده شود. امروزه از نظر بسیاری از نخبگان و کارگزاران، مدل پیشرفت، صرفاً مدل‌های غربی است که این امر مایه تأسف و بسیار خطرناک است. غرب در ارائه تبلیغات بسیار توانمند است که توانسته این باور را در بسیاری از کشورهای دیگر حاکم کند و توسعه‌یافتگی را مساوی با غربی شدن قلمداد کند. بر این اساس هر کشوری که بخواهد توسعه یابد، باید غربی شود، اما در حقیقت این نوع طرز تفکر کمک به پیشرفت و توسعه نیست، بلکه سبب حاکم شدن استعمارگری کشورهای غربی بر اسلامی می‌شود. از این رو باید این نوع طرز تفکر و طلسم را شکست و به تدریج برای تغییر و تحول آن، گام‌های اساسی برداشته شود (درونه و رضایی، ۱۳۸۹).

الگوهای غربی برای جامعه خودشان الگوهای خوبی است اما این نوع الگوها متناسب با جامعه غرب تدوین شده است، از این رو برای دیگر جوامع تعمیم‌پذیر و مناسب نیستند. آنچه که موجب ناکارآمدی الگوهای غرب برای جوامع اسلامی است، نوع جهان‌بینی و نگاهشان به انسان است. پیشرفت و توسعه از نگاه غرب، صرفاً مادی است و به مسائل معنوی توجه نمی‌شود. پیشرفت مادی مطلوب است اما به‌عنوان وسیله نه هدف و از این رو، از نظر اسلام پیشرفت این نیست. از نظر اسلام هدف نهایی تحول در جهان مادی رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی و در جهان آخرت رسیدن به قرب الهی است. از این رو از نظر اسلام هدف، رشد و تعالی انسان با استفاده از ابزارها و وسایل جهان مادی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

۳-۲-۶- حفظ هویت ملی

در تحول، هویت ملی مورد ملاحظه قرار گرفته و ارج نهاده شود. گاهی در تحولات اساسی جامعه به‌جای حفظ بنیان‌ها و تأکید بر منابع موجود، هویت مستقل ملی مان فراموش می‌شود که متأسفانه در کشور ما و بسیاری از کشورهای اسلامی دیگر اتفاق می‌افتد. هویت ملی یک کشور جزء آن چیزهایی است که در تحولات باید ثابت باشد. منظور از هویت ملی، ملیت در برابر دین نیست، بلکه هویت ملی هر ملت، مجموعه فرهنگ‌ها و باورها، خواست‌ها و آرزوها و رفتارهای اوست. یک ملت

مذهبی، یک ملت موحد، مؤمن و معتقد به خدا و اهل بیت پیامبر است. هدف اصلی در جامعه کنونی، این است که نه با توقف در گذشته و سرکوب نوآوری می‌توان به جایی رسید و نه با رهاسازی و شالوده شکنی و هرج و مرج اقتصادی و عقیدتی و فرهنگی (خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

۳-۲-۷- حفظ اصالت‌ها و ریشه‌ها

در تحول، ریشه‌ها و اصالت‌ها باید حفظ شوند و شالوده شکنی نشود. جامعه باید با ثبات اما غیر راکد و دارای تحول باشد. در جامعه باید در کنار ثبات اجتماعی، تحول به موقع و متناسب با سازمان صورت گیرد؛ بنابراین ایجاد تحول در سازمان و در نهایت در جامعه به معنای ساختارشکنی و شالوده شکنی نیست، بلکه در کنار حفظ اصالت‌ها، باید تحول نیز رخ دهد (خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

۳-۳- گام‌های تحول

۳-۳-۱- تدوین فلسفه آموزش و پرورش اسلامی

فلسفه آموزش و پرورش باید واضح باشد و بر اساس این فلسفه افق آینده آموزش و پرورش کشور روشن باشد. مسیر درست و کنونی کجاست که بر اساس آن برنامه‌ریزی و خط‌مشی گذاری شود و می‌خواهیم به کجا برسیم (خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

۳-۳-۲- تعیین ویژگی‌های انسان مطلوب

دانش‌آموزی که پس از سیزده سال (پیش‌دبستانی تا پیش‌دانشگاهی) از نظام آموزشی مدرسه خارج می‌شود، انسانی با برجستگی‌های اخلاقی، فکری و مذهبی باشد. از نظر اخلاقی: انسانی شجاع، خوش‌رو، خیرخواه، خوش‌بین، امیدوار، بلندهمت، قضاوت‌اندیش مثبت و درست و دارای سایر خصوصیات اخلاقی برای یک انسان مطلوب باشد. از لحاظ خصوصیات فکری: خلاق، پرسشگر، اهل تفکر، اهل نوآوری و تمایل به حل مسائل تربیت شود. از جنبه رفتاری: فرد منضبط و قانون‌شناس باشد تا بتواند در چارچوب قوانین و فرهنگ جامعه در کشور تحول ایجاد کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

۳-۳-۳- طراحی نظام مطلوب

بر اساس این گام، نظام مطلوب آموزش و پرورش به دست خواهد آمد. از این رو متخصصین حوزه تعلیم و تربیت باید نظام مطلوب آموزش و پرورش را تعریف و تدوین و اجرا کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

۳-۳-۴- طراحی محتوای برنامه‌های آموزشی

نظام مطلوب آموزش و پرورش باید شامل برنامه‌های مختلف و متنوعی برای ایجاد تحول باشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

۳-۳-۵- تربیت مجریان مستعد و لایق

در این گام لازم است مجریان مستعد، لایق و متخصص در حوزه آموزش و پرورش تربیت و برای تحول در نظام آموزش به کار گرفته شوند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

۳-۳-۶- اقدام شجاعانه در اجرای برنامه‌ها

پس از تدوین نظام مطلوب آموزش و پرورش، متخصصین این حوزه باید بتوانند با قدرت و شجاعت تمام، آن را در چارچوب نظام اجرایی کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

۳-۴- متولیان تحول

۳-۴-۱- دست‌اندرکاران آموزش و پرورش

آموزش و پرورش باید از روزمرگی بیرون بیاید؛ این مطلب هدف اصلی است. البته مخاطب این بحث وزیر آموزش و پرورش و مسئولان عالی آموزش و پرورش‌اند و سپس همه کسانی که در سلسله‌مراتب آموزش و پرورش و در هر نقطه‌ای که می‌توانند در خارج آموزش و پرورش از حالت روزمرگی و اسارت در چارچوب روش‌های متحجر و منسوخ تأثیر بگذارند (خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

۳-۴-۲- شورای عالی انقلاب فرهنگی

مسئولان شورای عالی انقلاب فرهنگی در تحولات بنیادین نظام آموزش و پرورش نقش بسزایی دارند و این سازمان مسئولیت بسیار مهمی دارد. از این رو باید از صاحب نظران این سازمان استفاده شود و کارهای درست و سنجیده در کشور صورت گیرد تا تحولات در کشور به عنوان باقیات الصالحات بماند (خامنه‌ای، ۱۳۸۷). یکی از نکته‌های مهم در نظام آموزش و پرورش، مسئله نوسازی نظام آموزشی و تصحیح مدل قدیمی رایج در کشور است که نظام حافظه‌محوری در دانش‌آموزان تغییر کند و به نظام پیشرفته تبدیل شود. دانش‌آموزان بیش از هر چیز باید مطالب درسی را به‌طور عمیق بفهمند نه اینکه صرفاً مطالب را حفظ کنند؛ بنابراین اگر قرار است برای این کار در جایی فکر و تصمیم‌گیری شود، شورای عالی انقلاب فرهنگی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۴).

۳-۴-۳- شورای عالی آموزش و پرورش

شورای عالی آموزش و پرورش نیز نقش بسیار مهمی در تحولات عمیق و بنیادین دارد که در شمار وظایف آن‌ها به حساب می‌آید (خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

۳-۴-۴- نیروهای فکری و زبده کشور

وظیفه نخبگان فکری و فرهنگی جامعه و حوزه و دانشگاه، مدیریت تحول است. کار نخبگان، مدل‌سازی و الگوسازی است که در تحقیقات دانشگاهی باید به دنبال آن باشند و در نهایت بتوانند مدلی را متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... کشور ارائه نمایند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶)؛ بنابراین برنامه‌ریزی برای تغییر و تحولات کار بسیار دشواری است که باید از افراد نخبه به‌عنوان یکی از متولیان حوزه تحول استفاده شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر کیفی است. روش کیفی از نوع شیوه بررسی اسناد و مدارک است که در آن محتوای متن، مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. جامعه و نمونه، شامل آیات مرتبط با موضوع پژوهش است. روش نمونه‌گیری، هدفمند است. به منظور محاسبه پایایی مقوله‌های به‌دست‌آمده بر اساس آیات قرآن، تعداد بیست نفر از متخصصان مدیریت آموزشی و علوم اسلامی، مفاهیم استخراج‌شده را مورد بررسی قرار دادند که بر اساس آن ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۱ به‌دست‌آمد که نشان از اعتبار آن است. برای روایی هم از سندیت منبع (قرآن) و نظر استادان و متخصصین در مورد تناسب محتوای انتخاب‌شده با اهداف پژوهش استفاده شده است.

۵- یافته‌ها

فرایند تحول در سازمان‌های آموزشی از نظر اسلام چگونه تبیین می‌شود؟ اینک به یافته‌های هریک بر اساس شواهد و آیات قرآنی اشاره می‌شود.

جدول ۲- فرایند تحول؛ حرکت جوهری

مقوله: حرکت جوهری		
مفهوم	استنباط	آیات
خلقت جهان	۱. ملاصدرا معتقد است جهان و موجودات آن در اثر تغییر و تحولاتی که در عالم ماده رخ می‌دهد به وجود می‌آیند که از آن به‌عنوان حرکت جوهری یاد می‌کند. صدرا در اثبات مدعای خود به آیاتی از قرآن استناد می‌کند. به‌عنوان مثال: وی در تفسیر آیه ۱۵ سوره ق، معتقد است که طبیعت تمام اجسام و افلاک سیال و متجدد و دائماً در حال نو شدن است. بدین معنی که هر لحظه صورت اشیاء تبدیل و تغییر می‌یابد، ولی از آنجا ادامه در صفحه بعد ...	نمل آیه ۸۸: ﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ أَلَدَىٰ أَتَقَنَّ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ و کوه‌ها را می‌بینی و می‌پنداری که آن‌ها بی‌حرکت‌اند و حال آن‌ها آن‌ها آبر آسا در حرکت‌اند. (این صنُّع خدایی است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است. در حقیقت، او به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. ﴿کاوِیان پور، ۱۳۷۲، ص ۳۸۴﴾. ادامه در صفحه بعد ...

مقوله: حرکت جوهری		
مفهوم	استنباط	آیات
خلقت جهان	<p>که این صور مشابه و هم‌شکل هستند، مردم در مورد این تغییر تدریجی صور (حرکت جوهری اجسام) دچار اشتباه می‌شوند؛ بنابراین منظور از خلق جدید در این آیه همان حرکت جوهری است (صدرالمتألهین، تصحیح خواجوی، ۱۳۶۰).</p> <p>۲. همچنین آیه ۸۸ سوره نمل از آن جهت که در سیاق آیات قیامت قرار گرفته، پاره‌ای از وقایع آن روز (به راه افتادن کوه‌ها) را توصیف می‌کند. صدرا در چندین اثر خود حرکت کوه‌ها را در این آیه به حرکت جوهری تفسیر کرده است (ملاصدرا، تصحیح ناجی اصفهانی، ۱۳۸۷).</p> <p>در نهایت ملاصدرا برای اثبات بحث تغییر و تحول در جهان هستی به نحوه قرارگیری کرات اشاره می‌کند که کرات آسمانی هرکدام در مدار و جایگاه خود، معلق و ثابت‌اند، بی‌آنکه تکیه‌گاهی داشته باشند و تنها چیزی که آن‌ها را در جای خود ثابت می‌دارد، تعادل قوه جاذبه و دافعه است. این تعادل جاذبه و دافعه به‌صورت یک ستون نامرئی، کرات آسمان را در جای خود نگه‌داشته است.</p>	<p>ق آیه ۱۵: ﴿أَفَمَبِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ: آیا ما از آفرینش نخستین عاجز ماندیم (که قادر بر آفرینش رستاخیز نباشیم) ولی آن‌ها (با این دلایل روشن) باز در آفرینش جدید تردید دارند.﴾ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۵۱۸).</p> <p>الرحمن آیه ۲۹: ﴿يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ: همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین‌اند از او درخواست می‌کنند و او همه روزه مشغول کاری نو﴾ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۵۲۲).</p> <p>رعد آیه ۲: ﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ: الله، همان خداوندی است که آسمان‌ها را بی‌هیچ ستونی که آن را ببینید برافراشت. سپس به عرش پرداخت و آفتاب و ماه را که هر یک تا زمانی معین در گردش‌اند رام کرد. کارها را می‌گرداند و آیات را بیان می‌کند، باشد که به دیدار پروردگارتان یقین کنید﴾ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۲۴۹).</p>
خلقت انسان	<p>۱. صدرا در مورد تمام آیاتی که در آن‌ها پس از ذکر مراحل خلقت انسان (خاک، نطفه و ...) معاد اثبات‌شده است، می‌گوید: در این قبیل آیات منظور از ذکر مراحل خلقت انسان اثبات حرکت جوهری انسان است و نحوه اثبات معاد در آیات، این‌گونه است که انسان از آنجا که بر اساس مراحل مذکور ایجاد می‌شود، دارای حرکت جوهری است و حرکت جوهری بالضروره به غایتی منتهی می‌شود که همان تجرد است و معاد چیزی جز تجرد نیست (صدرالمتألهین، ۱۳۸۹، ج ۲).</p>	<p>حج آیه ۵: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَتُقَرَّفُ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نَحْنُ جُحُكُمْ طِفْلًا ... : ای مردم، اگر از روز رستاخیز در تردید هستید، ما شما را از خاک و سپس از نطفه، آنگاه از لخته خونی و سپس از پاره‌گوشتی گاه تمام آفریده گاه ناتمام، بیافریده‌ایم تا قدرت خود را برایتان آشکار کنیم؛ و تا زمانی معین هر چه را خواهیم در رحم‌ها نگه می‌داریم. آنگاه شما را که کودکی هستید بیرون می‌آوریم تا به حد زورمندی خود رسید ...﴾ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۲۳۲).</p>

مقوله: حرکت جوهری		
مفهوم	استنباط	آیات
خلقت انسان		<p>غافر آیه ۶۷: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَ لِيَبْلُغُوا أَجْلاً مُسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ: اوست آن خدایی که شما را از خاک، سپس از نطفه، سپس از لخته خونی بیافریده است. آنگاه شما را که کودکی بودید از رحم مادر آورد تا به سن جوانی برسید و پیر شوید. بعضی از شما پیش از پیری بمیرید و بعضی به آن زمان معین می‌رسید و شاید به عقل دریاید﴾ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۴۷۵).</p> <p>سجده آیه ۷: ﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ: بعد خلقت او را از آبی غلیظ بی‌ارج مقرر گردانید﴾ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۱۴۵).</p>

جدول ۳- فرایند تحول؛ سنت‌های الهی (مطلق و مشروط)

مقوله: سنت‌های الهی		
۱. زیر مقوله: سنت‌های مطلق		
مفهوم	استنباط	آیات
آفرینش به‌وجه احسن	سنت‌های الهی طبق آیه ۲۳ سوره فتح ^۱ و ۴۳ سوره فاطر ^۲ تبدیل و تغییرپذیر نیستند. ادامه در صفحه بعد ...	تین آیه ۴: ﴿وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ: به‌راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم﴾ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۵۹۷).

۱- سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا

۲- اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا

مقوله: سنت‌های الهی		
۱. زیر مقوله: سنت‌های مطلق		
مفهوم	استنباط	آیات
هدایت تکوینی	تبدیل یعنی چیزی را به کل عوض کنند، ولی تحویل آن است که همان موجود را از نظر کمی و کیفی دگرگون کنند و بدان شدت یا ضعف بخشد و یا اینکه مکان را تغییر دهند. بر این اساس هنگامی که گفته می‌شود سنن علاوه بر تبدیل‌ناپذیری، تحویل هم نمی‌پذیرند، یعنی سنت‌ها نه به کلی عوض می‌شوند و نه در مکان کیفر و پاداش، نقل‌وانتقال صورت می‌گیرد. این سنت‌ها به‌طور معمول سنت‌های مطلق خداوند	شعراء آیه ۷۸: ﴿الَّذِي خَلَقْتَنِي فَهَوَّ يَهْدِينِ﴾ آن کس که مرا آفریده و هم راهنمای‌ام می‌کند ﴿(کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۳۷۰). طه آیه ۵۰: ﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ گفت: پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است ﴿(کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۳۱۴).
هدایت فطری	هستند که به‌هیچ‌وجه تغییر نمی‌کنند، مثل سنت هدایت و ابتلا. اما سنت‌های مقید قوانین و قضایای شرطی هستند که در صورت شرط یا سبب، مسبب نیز حاصل خواهد شد. این قضایای شرطی از طبیعت زندگی انسان و ارتباط با جهان پیرامونش استخراج می‌شود. پیدایش و زوال تمدن‌ها و به‌طور کلی هرگونه تغییر و تحولی در جامعه بشری نمی‌تواند خارج از چارچوب سنت‌ها و نوامیس و قوانین جاری الهی اتفاق بیفتد.	اعراف آیه ۱۷۲: ﴿وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ و هُنَّكَامِي رَا كَه پُروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را بر گرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: «چرا، گواهی دادیم» تا مبدا روز قیامت بگویند ما از این [امر] غافل بودیم ﴿(کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۱۷۳).
ابتلاء (آزمایش)		بقره آیه ۱۵۵: ﴿وَ لِنَبِّئُكُم بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ: وَ قَطْعًا شَمَا رَا به چیزی از قبیل آترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را ﴿(کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۲۴).
۲. زیر مقوله: سنت مقید		
مفهوم	استنباط	آیات
سنت تغییر	این آیه پس از آن ذکر شده است که خداوند سبحان از احاطه علمی خود نسبت به بندگان سخن گفته و فرموده است که ملائکه‌ای از هر سو ایشان را حفظ می‌کنند. از این رو خدا نعمت‌ها را با فرستادن عذاب و عوامل انتقام از ایشان نمی‌گیرد. ادامه در صفحه بعد ...	رعد آیه ۱۱: ﴿لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِّن بَيْن يَدَيْهِ وَ مِّن خَلْفِهِ يَحْفَظُونَہُ مِّن أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُم مِّن دُونِهِ مِّنْ وَالٍ﴾ برای انسان از پیش رو و پشت سر، ادامه در صفحه بعد ...

مقوله: سنت‌های الهی		
۲. زیر مقوله: سنت مقید		
مفهوم	استنباط	آیات
سنت تغییر	پس تغییر آنچه در مردم است، یعنی تغییر اعمال، احوال و اخلاقی است که بندگان به هنگام برخورداری از نعمت داشته‌اند و پس از آن با کفران نعمت‌های الهی و نادیده انگاشتن نیکی‌های خدا و عمل نکردن به اوامر و ارتکاب منہیات، زمینۀ زوال نعمت را فراهم کردند.	مأمورانی است که همواره او را به فرمان خدا [از آسیب‌ها و گزندها] حفظ می‌کنند. یقیناً خدا سرنوشت هیچ ملتی را [به‌سوی بلا، نکبت، شکست و شقاوت] تغییر نمی‌دهد تا آن‌که آنان آنچه را [از صفات خوب و رفتار شایسته و پسندیده] در وجودشان قرار دارد به زشتی‌ها و گناه تغییر دهند؛ و هنگامی که خدا نسبت به ملتی آسیب و گزند بخواهد [برای آن آسیب و گزند] هیچ راه بازگشتی نیست، زیرا برای آنان جز خدا هیچ یآوری نخواهد بود ﴿ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۲۵۰).
امهال	این سنت بدین معناست که خدای متعال، برای رعایت یک سلسله از مصالح در عقوبت اهل باطل تعجیل نمی‌کند، بلکه به آنان فرصت و مهلت می‌دهد، چون در غیر این صورت اگر خداوند مردم را به خاطر اعمال بدشان، مجازات کند و هیچ مهلتی برای اصلاح و تجدیدنظر و خودسازی به آنان ندهد، هیچ جنبندهای باقی نخواهد ماند. ولی خداوند به لطف و کرمش آن‌ها را تا زمان معینی به تأخیر می‌اندازد و به آن‌ها فرصت برای توبه و اصلاح می‌دهد. این حلم و فرصت الهی حسابی دارد تا زمانی است که اجل آن‌ها فرانسیده باشد.	فاطر آیه ۴۵: ﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهَرٍهَا مِّنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فِإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا﴾؛ و اگر خدا مردم را به [سزای] آنچه انجام داده‌اند مؤاخذه می‌کرد، هیچ جنبندهای را بر پشت زمین باقی نمی‌گذاشت، ولی تا مدتی معین مهلتشان می‌دهد و چون اجلشان فرارسد خدا به [کار] بندگان شبانست ﴿ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۴۴۰).
استیصال	اگر اهل باطل چنان در کفر و انکار و فسق و فجور فروروند که حکمت الهی بیش از این مقتضی امهال آنان و تأخیر عقوبت و عذابشان نباشد، نوبت به سنت «استیصال» (ریشه‌کنی و براندازی) می‌رسد که یکی از سنن قطعی و لایتخلف الهی و قرینه سنت پیروزی نهایی در مورد اهل حق است. در بسیاری از آیات قرآنی از آدمیان خواسته می‌شود که در زمین بگردند و نیز در بسیاری از آیات قرآن کریم (اعراف/ ۴، انفال/ ۵۴، یونس/ ۱۳ و ...) داستان دچار شدن هر یک از اقوام و جوامع سابق به عذاب استیصال، ذکر شده است. ادامه در صفحه بعد ...	اسراء آیه ۱۶: ﴿وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا﴾؛ و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم، خوش گذرانانش را وامی‌داریم تا در آن به انحراف [و فساد] پردازند و در نتیجه عذاب بر آن [شهر] لازم گردد، پس آن را [یکسره] زبر و زبر کنیم ﴿ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۲۸۳).

مقوله: سنت‌های الهی		
۲. زیر مقوله: سنت مقید		
مفهوم	استنباط	آیات
استیصال	داستان قوم نوح، قوم هود، قوم صالح، قوم لوط، قوم شعیب، فرعونیان اصحاب سبت، اصحاب رس، قوم تبع، اصحاب فیل و ... غالباً سبب هلاکت آنان نیز، اموری از قبیل کفر، شرک، ظلم و ... است.	

جدول ۴- فرایند تحول؛ انواع تغییر در انسان

مقوله: تغییر در انسان		
۱. زیر مقوله: تغییر در بدن		
مفهوم	استنباط	آیات
رشد جسم	انسان در مراحل زندگی دچار تغییر می‌شود. انسان در ابتدای خلقت (طفولیت) ضعیف است. سپس قوت می‌گیرد و مراد از قوت بعد از ضعف، رسیدن طفل به حد بلوغ است و دوباره ضعیف می‌شود و مراد از ضعف بعد از قوت، دوران پیری است.	روم آیه ۵۴: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ: خداست که شما را ناتوان بیافرید و پس از ناتوانی نیرومند ساخت، آنگاه پس از نیرومندی ناتوانی و پیری آورد. هر چه بخواهد می‌آفریند و او دانا و تواناست﴾ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۴۱۰).
زوال جسم	این نوع تغییر، با نابودی و از بین رفتن همراه است به طوری که در آیه ۱۸۵ سوره آل عمران به این نوع از تغییر که در جسم رخ می‌دهد، اشاره شده است و منظور از زوال‌پذیری جسم همان پیر شدن انسان مانند سایر موجودات و در نهایت فرارسیدن مرگ با از بین رفتن جسم است.	آل عمران، آیه ۱۸۵: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ إِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْرِحَ عَنِ النَّارِ وَ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ: همه کس مرگ را می‌چشد و به تحقیق در روز قیامت مزد اعمال شما را به کمال خواهند داد؛ و هر کس را از آتش دور سازند و به بهشت درآورند به پیروزی رسیده است؛ و این زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست﴾ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۷۴).

مقوله: تغییر در انسان		
۲. زیر مقوله: تغییر در روح		
مفهوم	استنباط	آیات
تنزل	<p>نوع تغییر پذیری همراه با افول جایگاه اولیه اتفاق می‌افتد؛ چنانچه در آیه از این تغییر با نام تدرک یاد کرده است که این‌ها به‌جای «تدرج»، «تدرک» دارند؛ یعنی به‌جای این‌که درجاتی را طی کنند، درکاتی را می‌پیمایند.</p> <p>همچنین در سوره شمس این تنزل را پیروی از هوی و هوس دانسته است. از این‌رو به‌جای بهره‌مندی از عقل و وحی، به هواهای نفسانی خود و وسوسه‌های شیطانی ابلیس روی آورده و گناه و فجور کرده‌اند.</p> <p>در سوره نساء نیز به کسانی اشاره دارد که به‌عنوان اولیای شیطان و پیروانش به تغییراتی دست می‌زنند که مخالف مشیت و حکمت‌الهی است.</p>	<p>نساء، آیه ۱۴۵: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا﴾؛ هرآینه منافقان در فروترین طبقات آتش هستند و هرگز بر ایشان یوری نمی‌یابی ﴿ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۱۰۱).</p> <p>شمس آیه ۱۰-۷: ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (۷) فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (۸) قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹) وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰)﴾؛ و سوگند به نفس و آنکه نیکویش بیافریده (۷) سپس بدی‌ها و پرهیزگاری‌هایش را به او الهام کرده (۸) هر که در پاک‌ی آن کوشید رستگار شد (۹) و هر که در پلیدی‌اش فرو پوشید نومید گردید (۱۰) ﴿ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۵۹۵).</p> <p>نساء آیه ۱۱۹: ﴿وَلَا ضَلَّيْنَهُمْ وَ لَأْمَنِيْنَهُمْ وَ لَأْمَرْتَهُمْ فَلْيَتَّبِعُوا آدَانَ الْاٰتِمْاعِ وَ لَأْمَرْتَهُمْ فَلْيَغَيِّرُوْا خَلْقَ اللّٰهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطٰنَ وَّلِيًّا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرٰنًا مُّبِيْنًا؛ و البته گمراهشان می‌کنم و آرزوهای باطل در دلشان می‌افکنم و به آنان فرمان می‌دهم تا گوش‌های چارپایان را بشکافتند؛ و به آنان فرمان می‌دهم تا خلقت خدا را دگرگون سازند؛ و هر کس که به‌جای خدا شیطان را به دوستی برگزیند زبانی آشکار کرده است ﴿ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۹۷).</p>
کمال (تکامل)	<p>تغییرپذیری در مسیر کمال که انسان‌ها در این‌گونه تغییر، «درجات» دارند، به این معنا که در اوایل امر با استناد به آیه ۴ انفال دارای درجه هستند، ولی درنهایت بر اساس آیه ۱۶۳ آل عمران خودشان عین ملکات نفسانی و متن «درجه» کمال می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۹).</p>	<p>انفال، آیه ۴: ﴿اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُوْنَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجٰتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيْمٌ﴾؛ اینان مؤمنان حقیقی هستند. در نزد پروردگارشان صاحب درجات‌اند و مغفرت و رزقی نیکو ﴿ (کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۱۷۷).</p>

مقوله: تغییر در انسان		
۲. زیر مقوله: تغییر در روح		
مفهوم	استنباط	آیات
کمال (تکامل)		آل عمران، آیه ۱۶۳: ﴿هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ: این دو گروه را نزد خدا درجاتی است گوناگون و او به کارهایشان آگاه است﴾ (کلوپان پور، ۱۳۷۲، ص ۷۱).

جدول ۵- فرایند تحوّل؛ سطوح و لایه‌های تغییر در انسان

مقوله: فرایند تحوّل بر اساس تغییر در سرنوشت (بدا)		
۱. زیر مقوله: تغییر در سرنوشت انسان (فردی)		
* آیاتی که قضا و قدر حتمی و غیرحتمی خداوند را بیان می‌کنند، مانند:		
مفهوم	استنباط	آیات
تغییر در سرنوشت فردی انسان	<p>مقدرات الهی دو نوع هستند:</p> <p>۱. امور غیر قابل تبدیل و تغییر؛</p> <p>۲. اموری که غیرحتمی و مصالح آن‌ها تابع اعمال و رفتار مردم است، مثل توبه کردن مردم از گناه که مصلحت عفو را در پی دارد، یا دادن صدقه که مصلحت دفع بلا را به همراه می‌آورد، یا ظلم و ستم که به خاطر مفسده‌اش قهر الهی را به دنبال دارد؛ یعنی خداوند متعال در اداره نظام آفرینش دست بسته نیست و با حکمت و علم بی‌نهایتی که دارد، می‌تواند با تغییر شرایط، تغییراتی در آفرینش و قوانین آن بدهد.</p> <p>بر این اساس در سوره انعام به این مطلب اشاره شده است که خداوند برای عمر انسان دو نوع زمان‌بندی قرار داده: یکی عمر حتمی است که اگر همه مراقبت‌ها به عمل آید، عمر تمام می‌شود. ادامه در صفحه بعد ...</p>	<p>رعد آیه ۳۹: ﴿يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ: خداوند هر چه را بخواهد محو یا اثبات می‌کند و ام‌الکتاب تنها نزد اوست﴾ (کلوپان پور، ۱۳۷۲، ص ۲۵۴).</p> <p>انعام آیه ۲: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ: اوست که شما را از گلی مخصوص آفرید، سپس برای عمر شما مدتی مقرر کرد و اجل حتمی و ثابت نزد اوست، [شگفتا] که باز شما [با این همه دلایل آشکار در یکتایی و ربوبیت او] خالقیت او را شک می‌کنید﴾ (کلوپان پور، ۱۳۷۲، ص ۱۲۸).</p>

مقوله: فرایند تحول بر اساس تغییر در سرنوشت (بدا)		
۱. زیر مقوله: تغییر در سرنوشت انسان (فردی)		
* آیاتی که قضا و قدر حتمی و غیرحتمی خداوند را بیان می‌کنند، مانند:		
مفهوم	استنباط	آیات
تغییر در سرنوشت فردی انسان	مانند تمام شدن و خاموش شدن نفت چراغ. زمان‌بندی عمر دیگر (غیر حتمی) مربوط به کردار خودمان است، مثل چراغی که نفت دارد، ولی آن را در معرض طوفان قرار دهیم. کارهایی همچون: صلّه رحم، صدقه، زکات، دعا و ... سبب طول عمر و اعمالی همچون: قطع رحم و ظلم و ... سبب کوتاه شدن عمر می‌شود که بر این اساس سرنوشت فردی افراد بر اساس طول عمر متفاوت خواهد شد.	
* آیاتی که تغییر سرنوشت انسان‌ها را بر اثر افعال اختیاری آنان مطرح می‌کنند، مانند:		
مفهوم	استنباط	آیات
تغییر در سرنوشت فردی انسان	امر و فرمان خداوند دوگونه است، حتمی و غیرحتمی (قضا و قدر) و فرشتگان فقط انسان را از حوادث غیر حتمی حفظ می‌کنند، بدیهی است که این حفاظت سبب سلب اختیار از انسان نمی‌شود و سرنوشت انسان‌ها و امت‌ها همچنان در اختیار خود آن‌هاست.	رعد آیه ۱۱: ﴿لَهُ مَعْبَآتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ﴾ برای انسان از پیش رو و پشت سر، مأمورانی است که همواره او را به فرمان خدا [از آسیب‌ها و گزندها] حفظ می‌کنند. یقیناً خدا سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمی‌دهد تا آن که آنان آنچه را [از صفات خوب و رفتار پسندیده] در وجودشان قرار دارد به زشتی‌ها و گناه تغییر دهند؛ و هنگامی که خدا نسبت به ملتی آسیب و گزند بخواهد هیچ راه بازگشتی نیست، زیرا برای آنان جز خدا هیچ یآوری نخواهد بود ﴿(کاویان پور، ۱۳۷۲، ص ۲۵۰)﴾.
* آیاتی که ناظر به مصادیق عینی بداء بوده، به موارد خاص آن اشاره دارد، مانند:		
مفهوم	استنباط	آیات
تغییر در سرنوشت فردی انسان	تغییر فرمان الهی به ابراهیم در مورد ذبح اسماعیل	صافات آیات ۱۰۷-۱۰۲: ﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾

مقوله: فرایند تحول بر اساس تغییر در سرنوشت (بدا)		
۱. زیر مقوله: تغییر در سرنوشت انسان (فردی)		
* آیاتی که ناظر به مصادیق عینی بداء بوده، به موارد خاص آن اشاره دارد، مانند:		
مفهوم	استنباط	آیات
تغییر در سرنوشت فردی انسان		(۱۰۲) ... وَ قَدَّيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ (۱۰۷): چون با پدر به جایی رسید که باید به کار بپردازند، گفت: ای پسرکم، در خواب دیده‌ام که تو را ذبح می‌کنم. بنگر که چه می‌اندیشی. گفت: ای پدر، به هر چه مأمور شده‌ای عمل کن که اگر خدا بخواهد مرا از صابران خواهی یافت (۱۰۲) این آزمایشی آشکارا بود (۱۰۶) و او را به ذبحی بزرگ باز خریدیم (۱۰۷) ﴿ (کاویان پور، ۱۳۷۲، ص ۴۵۰).
	اضافه شدن ۱۰ روز به میقات ۳۰ شب موسی و پایان یافتن آن در ۴۰ شب	اعراف آیه ۱۴۲: ﴿وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْنَاهَا بِعَشْرِ فَنَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ: سی شب با موسی وعده نهادیم و ده شب دیگر بر آن افزودیم تا وعده پروردگارش چهل شب کامل شد؛ و موسی به برادرش هارون گفت: بر قوم من جانشین من باش و راه صلاح پیش گیر و به طریق مفسدان مرو ﴿ (کاویان پور، ۱۳۷۲، ص ۱۶۷).
۲. زیر مقوله: تغییر در سرنوشت انسان (اجتماعی)		
مفهوم	استنباط	آیات
تغییر در سرنوشت اجتماعی انسان	تغییرات اجتماعی و اصلاحات مثبت مبتنی بر تغییرات شخصیت انسان‌ها و بهبود درونی آنان است تا این‌گونه تغییرات مثبت اجتماعی تحقق یابد. خداوند همچنین تغییرات در جهان از جمله افزایش بارندگی و برکات آسمانی و زمینی و مادی و معنوی و دنیوی و اخروی را بر پایه تغییرات در شخصیت انسان ارزیابی و تحلیل کرده است. ادامه در صفحه بعد ...	اعراف، آیه ۹۶: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ: اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده بودند، برکات آسمان و زمین را به رویشان می‌گشودیم، ولی پیامبران را به دروغ‌گویی نسبت دادند. ما نیز به کیفر کردارشان مواخذه‌شان کردیم ﴿ (کاویان پور، ۱۳۷۲، ص ۱۶۳).

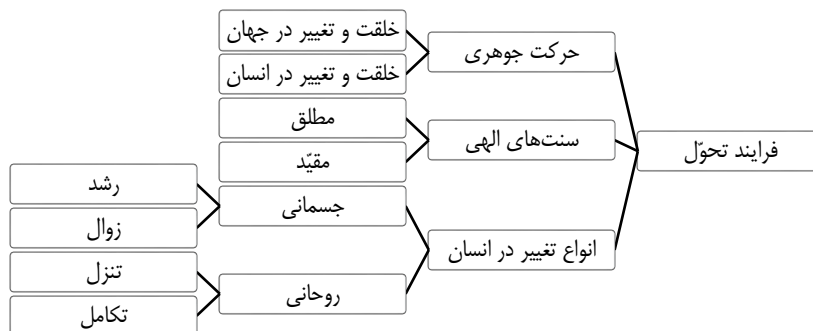
مقوله: فرایند تحول بر اساس تغییر در سرنوشت (بدا)		
۲. زیر مقوله: تغییر در سرنوشت انسان (اجتماعی)		
مفهوم	استنباط	آیات
تغییر در سرنوشت اجتماعی انسان	همچنین در آیه ۱۴۰ سوره آل عمران، به موقعیت تغییر در سطح اجتماعی اشاره کرده است به طوری که گردش این پیروزی و شکست را در جنگ احد و بدر بیان می‌کند. در واقع مقصود از روزگاران عبارت است از پیروزی‌ها و شکست‌ها و پیشرفت‌ها و عقب‌ماندگی‌ها و تمدن‌ها. در آیه هم دلیل این گردش را ندانده می‌داند نه این که خداوند ظالمین را دوست ندارد و در انتهای آیه به این مطلب اشاره می‌کند.	آل عمران آیه ۱۴۰: ﴿إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ الَّذِي آتَىٰ آمَنًا وَيَتَّخِذُ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ: گر بر شما زخمی رسید، به آن قوم نیز هم چنان زخمی رسیده است؛ و این روزگار است که هر دم آن را به مراد کسی می‌گردانیم تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند بشناسد و از شما گواهان گیرد؛ و خدا ستمکاران را دوست ندارد﴾ (کاویان پور، ۱۳۷۲، ص ۶۷).
	برطرف شدن عذاب از قوم یونس بر اثر تضرع و دعای آنان	یونس آیه ۹۸: ﴿فَلَوْلَا لَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ: چرا مردم هیچ قریه‌ای به هنگامی که ایمانشان سودشان می‌داد ایمان نیاوردند مگر قوم یونس که چون ایمان آوردند عذاب ذلت در دنیا را از آنان برداشتیم و تا هنگامی که اجلشان فراسید از زندگی برخوردارشان کردیم﴾ (کاویان پور، ۱۳۷۲، ص ۲۲۰).
	تأثیر ایمان، تقوا و استغفار در گشودن برکاتی از آسمان و زمین و نزول برکات آسمانی	اعراف آیه ۹۶: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ: اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده بودند برکات آسمان و زمین را به رویشان می‌گشودیم، ولی پیامبران را به دروغ‌گویی نسبت دادند. ما نیز به کیفر کردارشان مؤاخذه‌شان کردیم﴾ (کاویان پور، ۱۳۷۲، ص ۱۶۳).
		نوح آیه ۱۰ و ۱۱: ﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (۱۰) يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا (۱۱): سپس گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده است (۱۰) تا از آسمان برایتان پی‌درپی باران فرستد﴾ (کاویان پور، ۱۳۷۲، ص ۵۷۰).

مقوله: فرایند تحول بر اساس تغییر در سرنوشت (بدا)		
۳. زیر مقوله: مقصد و غایت در فرایند تحول		
مفهوم	استنباط	آیات
خلیقه‌الله (در جهان مادی)	این آیه به یک سنت و قانون مستمر در جوامع بشری دلالت دارد به این معنی که در گذرگاه همه، تاریخ اوج و اعتلای گروهی به پایان می‌رسد و دوره انحطاطشان شروع می‌گردد و نوبت به سطوح پایین می‌رسد؛ بنابراین مقصود از آیه مزبور (۵ قصص) آینده‌نهایی تحولات بشری است که اشاره به حاکمیت صالحان و افراد الهی بر جوامع بشری دارد. آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، ظهور درباره آینده تحولات بشری است. بنابراین؛ سرنوشت آینده بشری رو به کمال و شایستگی است که بتواند متحول شود و این شایستگی موقعی عملی می‌شود که ابعاد انسانی در این زندگانی به بهترین وجه گسترده شود. همچنین طبق آیه ۱۰۶ سوره بقره، هر تغییری در وضع بشری اعم از مادی و معنوی که صورت بگیرد، مستند به خدا بوده باشد، تغییر تنزلی و سقوطی نیست، بلکه تحولی است که منجر به بهبود در وضع بشر می‌شود. به‌رحال مفاد این آیه سیر تکاملی را از سوی خداوند بر افراد و جوامع انسانی مطرح می‌کند.	قصص آیه ۵: ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین نعمت دهیم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم ﴿(کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۳۸۵). انبیاء آیه ۱۰۵: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ ما در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان صالح من وارث (حکومت) زمین خواهند شد ﴿(کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۲۹۲). بقره آیه ۱۰۶: ﴿مَا تَسْخُحُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِئَهَا تَاتَ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَمْ لَمْ نَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ حکم هر آیه‌ای را که (بر اساس مصالح مردم و مقتضای زمان) از میان برداریم یا به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا ماندنش را می‌آوریم. آیا ندانسته‌ای که خدا بر هر کاری تواناست ﴿(کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۱۷۵).
قرب الهی (در جهان آخرت)	این آیه بر اساس حرکت جوهری ملاصدرا بیان می‌کند که انسان در اثر حرکت جوهری به مجرد تمام می‌رسد و در نتیجه از بدن مستقل می‌شود و این استقلال از بدن، سبب مرگ طبیعی است. بر این اساس در آیات ذکرشده مقصد و جایگاه نهایی انسان بر اساس تحولاتی که در اصلاح خود انجام داده است، تقرب الهی است.	انشقاق آیه ۶: ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾ ای انسان تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد ﴿(کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۵۸۹). واقعه آیات ۱۲-۱۰: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ «۱۰» أولئك الْمُقَرَّبُونَ «۱۱» فی جَنَّاتِ النَّعِيمِ «۱۲»: و یاران چپ، کدامند یاران چپ؟ (۹) و سبقت‌گیرندگان مقدمند، (۱۰) آنانند همان مقربان [خدا] (۱۱) در باغستان‌های پر نعمت (۱۲) ﴿(کاویان‌پور، ۱۳۷۲، ص ۵۳۴).

۶- بحث و نتیجه‌گیری

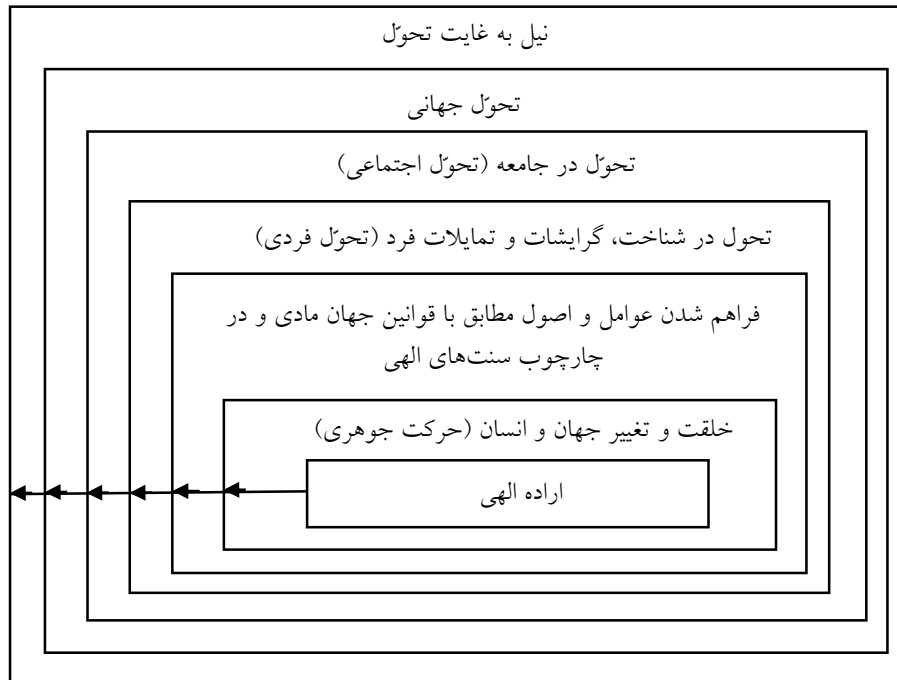
از منظر اسلام، فرایند تحول چگونه تعریف و تبیین می‌شود؟ بر اساس یافته‌های پژوهش، با اراده الهی، جهان هستی و موجودات آن آفریده می‌شوند و بر اساس حرکت جوهری پس از خلقت، در جهان هستی و انسان تغییر و تحولاتی صورت می‌گیرد. در این میان انسان با قوه تعقل و قدرت اختیار خود در چارچوب قوانین حاکم بر جهان مادی و سنت‌های الهی دست به تغییر و تحولاتی می‌زند. این تغییر و تحولات در انسان در دو بُعد جسمانی و روحانی صورت می‌گیرد. بر اساس دیدگاه برخی علما بُعد جسمانی تغییرات در انسان تا پیش از سن ۴۰ سالگی در جهت رشد محسوب شده و بعد از این سن رو به زوال می‌رود. در بُعد روحانی نیز تغییرات ممکن است در جهت مثبت یا منفی صورت پذیرد.

بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده، تحول در جهان و انسان یک فرایند است. این فرایند در انسان باید ابتدا از تغییر درون فرد شروع شود و با فراهم شدن یک سری شرایط و از بین رفتن موانع به تغییرات مثبت اجتماعی که در راستای آموزه‌های اسلامی هستند، پیش رود و سرانجام منجر به تحول در جامعه و جهان شوند. از این رو با توجه به مطالعات پژوهشگر در حوزه اسلامی، فرایند تحول که از انسان آغاز شده، این‌گونه توصیف می‌شود:



نمودار ۱- فرایند تحول از دیدگاه اسلام

ابتدا اراده خداوند بر خلقت انسان تعلق می‌گیرد و انسان آفریده می‌شود پس از آن انسان در چارچوب قوانین این جهان مادی، مطابق سنت‌های الهی حاکم و با اراده و قوه تعقل خود و فراهم شدن عوامل، شرایط و اصول فضایل، کارهای خیری را انجام می‌دهد که در نهایت انسان به قرب الهی نائل می‌شود. این فرایند سبب تحوّل (تغییر مطلوب) در سیر تکاملی انسان می‌شود و بدین ترتیب انسان متحوّل می‌شود. پس از تحوّل در سطح فردی، انسان قادر است در جامعه و در نهایت در جهان تحوّل ایجاد کند و بر اساس تحولات صورت گرفته در جهان، امت واحده به وجود می‌آید. بدین ترتیب انسان به‌غایت تحوّل می‌رسد؛ بنابراین بر اساس این مدل، تحوّل ابتدا در فرد، سپس در جامعه و در نهایت در جهان رخ خواهد داد، از این رو فرایند تحوّل در سطح اجتماعی می‌تواند به‌طور نمونه در سطح یک سازمان یا در معنای کلان‌تر در سطح یک جامعه شهری، به‌طور فراگیر محقق شود.



نمودار ۲- فرایند تحول در سطح اجتماعی از دیدگاه اسلام

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- خنیفر، حسین؛ رحمتی، محمدحسین و رستمی‌پور، علی (۱۳۸۹). مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش مبتنی بر دیدگاه امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت. تهران: نورالتقلین.
- ۳- درونه، جعفر و رضایی، محمدحسین (۱۳۸۹). منشور تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: دبیرخانه اجرایی ستاد تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- ۴- رضایی، حمیدرضا (۱۳۸۵). درآمدی بر هستی‌شناسی بهبود در سازمان با استفاده از ادبیات عرفانی مولانا. تهران: رسا.
- ۵- سنگه، پیتر (۱۳۸۵). رقص تغییر. ترجمه: حسین اکبری و مسعود سلطانی. تهران: آسیا.
- ۶- شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۹). صورت مذاکرات تصویب قانون شورای عالی. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.

- ۷- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۶). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: دبیرخانه شورای عالی.
- ۸- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان*. ترجمه: محمدباقر موسوی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات فرهنگی).
- ۹- فرنچ، ونال و اچیل، سیسیل (۱۳۸۵). *مدیریت تحول در سازمان* (ویرایش جدید). ترجمه: مهدی الوانی و حسن دانایی فرد. تهران: صفار- اشراقی.
- ۱۰- ویانپور، احمد (۱۳۷۲). *ترجمه قرآن*. تهران: اقبال.
- ۱۱- موسوی خامنه‌ای (آیت‌الله)، سید علی (۱۳۶۳). *سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله) در سمینار ائمه جمعه تهران، ۶۳/۳/۲*.
- ۱۲- _____ (۱۳۶۴). *سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله) در دیدار با کارکنان صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴/۱۰/۴*.
- ۱۳- _____ (۱۳۶۸). *سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله) در مراسم بیعت فرماندهان و پرسنل منتخب نیروهای سه گانه و وزارت دفاع، ۱۳۶۸/۳/۱۸*.
- ۱۴- _____ (۱۳۷۰). *سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله) در دیدار با مدیران شبکه دو سیما، ۱۳۷۰/۱۱/۷*.
- ۱۵- _____ (۱۳۷۷). *سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله) در دیدار وزیر و مسئولان آموزش و پرورش، ۱۳۷۷/۵/۵*.
- ۱۶- _____ (۱۳۷۸). *سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله) در دیدار مسئولان کشور در عید غدیر خم، ۱۳۷۸/۱/۱۶*.
- ۱۷- _____ (۱۳۷۹). *سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله) در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۲/۲*.
- ۱۸- _____ (۱۳۸۳). *سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله) در دیدار مسئولین آموزش و پرورش، ۱۳۸۳/۴/۲۹*.
- ۱۹- _____ (۱۳۸۴). *سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله) در دیدار شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴/۱۰/۱۳*.
- ۲۰- _____ (۱۳۸۵). *سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله) در دیدار مسئولان مؤسسه‌های آموزش عالی، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، ۱۳۸۵/۵/۲۳*.
- ۲۱- _____ (۱۳۸۵). *سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله) در دیدار معلمان سراسر کشور، ۱۳۸۵/۲/۱۲*.
- ۲۲- _____ (۱۳۸۵). *سخنرانی مقام معظم رهبری (مدظله) در دیدار استادان و دانشجویان دانشگاه‌های سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸*.
- ۲۳- _____ (۱۳۸۶). *سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله) در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵*.

- ۲۴- _____ (۱۳۸۶). سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله) در دیدار وزیر، معاونان و مدیران آموزش و پرورش سراسر کشور، ۱۳۸۶/۵/۳.
- ۲۵- _____ (۱۳۸۷). سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله) در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷/۲/۱۲.
- ۲۶- _____ (۱۳۸۶). بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله) در جمع استادان، روحانیون و طلاب حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶/۹/۸.
- ۲۷- یونسکو (۱۳۶۰). *آموزختن برای زیستن*. تهران: امیرکبیر.

- ۲۸- Brooks, Lan. (۱۹۹۶). Leadership of cultural change process. *Leadership and organization development journal*, (۷), ۴۵۱-۴۷۰.
- ۲۹- Elving Wim, J.L. (۲۰۰۵). The role of communication in organizational change. *Corporate communications. An international journal*, Vol ۱۰, ۱۳۵.
- ۳۰- Hackman, J. R., & Oldham, G. R. (۱۹۸۰). Motivation through the design of work: Test of a theory. *Harvard University, Cambridge*.
- ۳۱- Katzenbach, j. & Douglas, s. (۱۹۹۳). *The wisdom of teams*. New York: harper collins.
- ۳۲- Kilman, R. (۱۹۸۴). *Beyond quick for change*. London: jossey-bass Inc.
- ۳۳- Kilmann, R. H. (۱۹۸۹). A completely integrated program for creating and maintaining organizational success. *Organizational Dynamics*, ۱۸(۱), ۵-۱۹.
- ۳۴- Leavitt, H. J. (۱۹۶۴). Applied organisation change in industry: structural, technical and human approaches. *New perspectives in organization research*. New York: Wiley.
- ۳۵- Lippite, R.; Jeanne, W. & Bruce, W. (۱۹۵۸). *The dynamic of planned change*. New York: Harcourt, brace, brace and world.
- ۳۶- Nutt, P. C. (۱۹۸۶). Tactics of implementation. *Academy of management journal*, ۲۹(۲), ۲۳۰-۲۶۱.
- ۳۷- Prosci, D. (۲۰۰۳). A model for change management. *Change management center. Psychology*, ۶۰, ۱۵۹-۱۷۰.

The process of evolution in educational organizations from the point of view of Islam

Akram Goodarzi, Ensieh Zahedi and Zahra sadat Shah Ahmad Ghasemi

Abstrac

The main goal of this survey is to study the process of management evolution in educational organization on the basis of an Islamic point of view. We used qualification research method with inductive text analysis approach. The research society is the holy Quran and the sample is the verses relative to the field of research. For data analysis, descriptive, comparison, categorization and conceptualization has been used methods. The results show that on the basis of Mollasadre essential movement theory, every evolution process could be conceptualized in essential movement, god providences and change types. At the end, on the basis of concepts and topics a multi surface model of evolution is introduced consisting on first, individual change second, social change and on the reaching to evolution boundaries satisfying god (Islamic criteria).

Key words: evolution levels and dimensions, process of evolution, principles and principles of evolution.